

تصویرگر: حدیثه قربان

گل پری و اسپند دونه دونه

• سوسن طاقدیس

ماه بود و مهتاب بود.
گل پری خوابِ خواب بود.
اسپند کجا بود؟ تو صحرا!
باد کجا بود؟ پشت درخت‌ها!
درد و بلا، همین جا بود. پشت در خانه‌ی گل پری بود.
یواشکی پنجره‌ای را وا کرد. رفت تو اتاق، گل پری را نگاه کرد.
باد از پشت درخت‌ها، درد و بلا را دید. دلش لرزید. دوید و دوید. با خبر بد، به صحرا رسید.
اسپند دونه دونه خبر را شنید. از جا پرید. داد کشید: «باید برم تو آتش، دود بکنم فِش و فِش.
تا گل پری کرده لالا. دوربشه درد و بلا.»
بعد هم رو پشت باد پرید. رفت و به آتش رسید.
پرید تو آتش. جرق و جُروق، جرقه زد، دود کرد. دودش تو اتاق پیچید.
درد و بلا، بالای سر گل پری بود. دود را که دید، لرزید و ترسید.
از پنجره فرار کرد و رفت.
ماه بود و مهتاب بود. گل پری خواب خواب بود. درد و بلا دور بود